

رابطه اصلاحات سیاسی با فساد؛ تحلیل آمارهای بین‌المللی

نویسنده هونگ ان سونگ^۱
ترجمه دکتر حسین قلجی^۲

چکیده

پژوهش‌های پیشین درباره مردم‌سالاری و فساد سیاسی به علت تفاوت‌ها در متدولوژی، گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها نتایج متفاوتی در پی داشته است. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در این تکثر نتایج، تمرکز پژوهشگران بر شناسایی روابط خطی صرف بوده است. در پژوهش آماری حاضر، قصد داریم متغیرهای اقتصادی همراه‌کننده را ثابت گرفته و از تابع چندجمله‌ای سلسله‌مراتبی برای ارزیابی رابطه مردم‌سالاری و فساد استفاده نماییم. نتایج نشان می‌دهد که تابع سه‌جمله‌ای، رابطه متغیرها را بهتر توضیح می‌دهد.

هرچند فساد در میان دموکراسی‌های متوسط پدیده‌ای شایع است اما در کشورهای کاملاً دموکراتیک از شیوع پایین‌تری برخوردار است. سرانجام این‌که، وضعیت سیاسی داخلی و مجموع دستاوردهای دموکراتیک تعیین‌کننده شدت فساد سیاسی در یک کشور است.

۱- استاد دانشکده حقوق، علوم کیفری و انتظامی دانشگاه نیویورک

۲- رئیس گروه مطالعات و پژوهش‌های مبارزه با فساد مرکز مطالعات سازمان بازرسی کل کشور و استاد مدعو دانشگاه صنعتی شریف
gheleji@ut.ac.ir

پیشگفتار مترجم

مدت زمان بسیاری است که کشورهای غربی با توسل به مطالعات دانشگاهی و تحلیل‌های آماری میان اصلاحات سیاسی و فساد رابطه‌ای معکوس و شدید را نشان داده‌اند. به این ترتیب، انجام اصلاحات سیاسی در این جوامع را تنها راه گریز از فساد می‌دانند که در هنگام اتخاذ تصمیمات مهم مانند اعطای وام‌های جهانی، انجام اصلاحات دموکراتیک را پیش شرط خود قرار می‌دهند. اما مطالعه اخیر نشان می‌دهد که این برداشت از رابطه توسعه سیاسی و فساد گمراه‌کننده است. لذا، در عین حالی که رابطه میان دموکراتیک‌تر بودن جوامع و پایین‌تر بودن سطح فساد مؤید این باور است که اصلاحات دموکراتیک می‌تواند منجر به حکمرانی شفاف و مسئول‌گردد اما از سوی دیگر، این امر در تقابل با مثال‌های نقض متعدد و شواهدی است که نشان‌دهنده گسترده‌گی فساد در کشورهای دموکراتیک جنوب شرق آسیا، آمریکای لاتین و جمهوری‌های تازه استقلال یافته است.

در این مقاله رابطه بین مردم‌سالاری و فساد در کشورهای مختلف طی چندین سال بررسی شده و با استفاده از علوم آماری تأثیر سطح دموکراسی یک کشور را بر میزان فساد تحلیل کرده است.

نتیجه این تحقیق، رد هیافت خطی که رابطه میان اصلاحات سیاسی و فساد را عبارت از: «افزایش آزادی سیاسی = کاهش فساد» می‌داند، خواهد بود. به اعتقاد نویسنده، اصلاحات دموکراتیک در شرایطی می‌تواند در عمل، افزایش‌دهنده فرصت‌ها و شدت فساد باشد.

برخی کشورهایی که به نظر دولت‌های غربی از میزان اندکی شفافیت و مسئولیت‌پذیری برخوردارند به محض ورود به مرحله اصلاحات سیاسی (آن‌هم به توصیه خود کشورهای غربی یا سازمان‌های بین‌المللی) دچار فساد شدیدی خواهند شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، در کشورهایی که فرآیند اصلاحات سیاسی را آغاز کرده‌اند و اینک از آزادی سیاسی متوسط برخوردارند فساد شایع و همگانی شده است. با این حال توسعه اصلاحات دموکراتیک به صورت آرام در دموکراسی‌های سطح متوسط کاهش اساسی در سطح فساد را نشان می‌دهد.

مقدمه

تأثیر اصلاحات سیاسی بر فساد سیاسی یک اصل بدیهی است، اما هنوز ابعاد این تأثیر اصلاحات بر شدت و ضعف فساد مورد اختلاف می‌باشد. حتی می‌توان گفت یافته‌های پژوهشی درباره رابطه بین مردم‌سالاری و فساد گاهی متضاد به نظر می‌رسند (Harris White and White, 1996, P.3). علت اصلی اختلاف، در چند بعدی بودن مفهوم مردم‌سالاری و اصلاحات دموکراتیک نهفته است. با توجه به اینکه جنبه‌های روشن فرآیند دموکراتیک مانند رقابت انتخاباتی و انتخاب آزادانه - زمینه‌ساز پیروزی سیاستمداران دغل‌باز بر رقبای خود از طریق خرید رأی یا سایر اقدامات غیرقانونی است (Little, 1996; Johnston, 1997; Dellaporta and Vannucci, 1999). حفظ آزادی بیان و آموزش ژورنالیسم تفحصی و تخصصی سازوکاری است که از طریق افشاگری می‌تواند مانع روندهای فاسد در امور عمومی گردد (Giglioli, 1996; Dasilva, 2000).

به همین طریق، دفاع از آزادی‌های مدنی و استقرار یک نظام قضایی مستقل می‌تواند از اعمال نفوذهای فسادآور جلوگیری نموده و کارایی سیاست‌های ضد فساد را به حداکثر برساند (Schwartz, 1999; Moran, 2001). در این شرایط به این جمع‌بندی می‌رسیم که اصلاحات سیاسی در عمل پدیده‌ای بسیار پیچیده و دارای پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی است (Moran, 2001: P 390).

همان‌گونه که مطالعات کیفی نشان می‌دهد، مردم‌سالاری فرآیندی چندوجهی است که با روندهایی متعدد و گاه متضاد، فساد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تحلیل‌های آماری نیز میان اصلاحات سیاسی و فساد غالباً رابطه‌ای خطی و منفی را نشان داده‌اند (Goldsmith, 1999; Sandholtz and Koetzle, 2000). این روابط در عین اطمینان‌بخش بودن گمراه‌کننده نیز هست؛ از یک سو، رابطه آماری مثبت میان دموکراتیک‌تر بودن جوامع و پایین‌تر بودن سطح فساد مؤید این باور است که اصلاحات دموکراتیک می‌تواند منجر به حکمرانی شفاف و مسئول گردد. از سوی دیگر، این امر در تقابل با مشاهدات گوناگون و شواهد عینی است که نشان‌دهنده گسترده‌گی فعالیت‌های فسادآمیز در کشورهای جنوب شرق آسیا، آمریکای لاتین و جمهوری‌های شوروی سابق است که در حال انجام اصلاحات سیاسی می‌باشند (Cohen, 1995; Harris White and White, 1996). این باتلاق مفهومی و تئوریک نشان

می دهد نظریه ها و پژوهش های مربوط به فساد هنوز در دوره آغازین خود قرار دارد.

روشن است کارآمدی و سودمندی برنامه های ضد فساد با نتیجه رشد و تعالی اقتصادی، غالباً در کشورهای قابل مشاهده است که اصلاحات اقتصادی و آزادسازی گسترده را به موازات اصلاحات سیاسی پیش برده اند. آزادسازی برون دادهای اقتصاد و بهره وری نیروی کار و ایجاد فضای سیاسی آزادتر مانند حق اعتصاب برای کسب حقوق کارگران منجر به افزایش درآمد سرانه شده (GoldSmith, 1995) و در ادامه موجب کاهش انگیزه ها و فرصت های فساد در میان مقام های منتصب و منتخب خواهد شد (Barro, 1997; Frey and Stutzer, 2000; Boix, 2001). زمانی که شهروندان در فرآیندهای سیاسی شرکت می کنند، برون دادهای سیاست گذاری اقتصاد کلان به ترجیحات رأی دهندگان نزدیک تر شده و در نتیجه رضایت از زندگی، افزایش و فساد، کاهش می یابد. در بررسی های تجربی مشخص می شود این «نظارت غیرمستقیم مردم سالاری بر فساد» یا کنترل فساد از طریق رضایتمندی در صورتی که بسترهای مناسب وجود نداشته باشد، به راحتی توسط خود فرآیند اصلاحات سیاسی از بین می رود. ما در این مقاله رابطه بین مردم سالاری و فساد را در کشورهای مختلف بررسی کرده ایم. هدف ما این بوده که تأثیر فرآیند اصلاحات سیاسی را به عنوان عامل مؤثر بر فرصت های ارتکاب فساد از مشتقات اقتصادی آن جدا کرده و جهت و شدت تأثیر آن بر فساد را مشخص نماییم. نتایج این تحلیل که حاصل تحقیق در حوزه فساد با استفاده از علوم آماری است پشتوانه ای برای مباحث مرتبط با سیاست گذاری مبارزه با فساد محسوب می شود.

۱- تحلیل رابطه دموکراسی و فساد

به ندرت می توان پدیده هایی را در علوم سیاسی یافت که میان آن ها رابطه ای خطی برقرار باشد و در این بین، دموکراسی و اصلاحات سیاسی پدیده هایی به شدت غیرخطی هستند. بسیج گروه های اجتماعی و مشارکت جامعه برای تعیین اینکه چه کسی، چه چیزی را چه وقت و چگونه به دست بیاورد و نیز ایجاد نهادهایی برای نهادینه کردن این فرآیند، کنشی چنان پیچیده است که مطالعات مردم سالاری، توسعه اقتصادی و حتی امنیت ملی حاکی از این است که همگی دارای روابط غیرخطی

۱ - روابط بین پدیده ها از چند الگو خارج نیست؛ یا علی و معلولی است، یا خطی است، یا سیستمی است و یا پویا (دینامیک). م

هستند (Barro, 1997; eillingsen and Gates, 2001). غیرخطی بودن روابط این پدیده‌ها، چنان واضح است که مطالعات خطی در این باره بسیار نادرست و حتی گمانه‌ای است. متأسفانه، تحلیل‌های آماری بسیار اندکی رابطه دموکراسی - فساد را مورد توجه قرار داده‌اند و لذا رابطه خطی میان دو متغیر را اغلب به صورت متضاد تبیین کرده‌اند (Goldsmith, 1999; Sandhoitz and Koetzle, 2000). حتی برخی مطالعات به دلیل اینکه فرضیه‌ای خطی میان مردم‌سالاری و فساد در نظر گرفته‌اند، (به اشتباه) به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه‌ای میان آن دو وجود ندارد (Trisman, 2000). شاید رهیافت خطی بتواند تا حدودی وجود رابطه میان مردم‌سالاری و فساد را با داده‌های آماری روشن سازد اما از ارائه توضیح برای حجم بسیار زیاد داده‌هایی که ناقض قاعده «افزایش آزادی سیاسی = کاهش فساد» هستند، ناتوان است. مطالعات مردم‌شناسی و کشورشناسی در دهه ۱۹۹۰، حاکی از این است که اصلاحات سیاسی می‌تواند در عمل، افزایش دهنده فرصت‌ها و شدت فساد باشد، بدون اینکه توانایی‌های کارآمدی سیاست‌های مقابله با فساد را تقویت نماید. آغوش گشودن افراطی به قواعد دموکراتیک در جهت کاهش کنترل حکومت، گاهی باعث افزایش فساد می‌شود، زیرا بدون جایگزین کردن هیچ سیستم بدیلی کنترل نظام دیوانسالاری را تضعیف می‌کند. افزون‌اینکه، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های رفتار فسادآور در دموکراسی‌های جدید، ریشه در هزینه‌های بسیار بالای رقابت انتخاباتی، جذابیت فریبنده ثروت و قدرت دولتی و نیز باز بودن فضا برای جاه‌طلبی گروه‌های نخبه، دارد.

آزادسازی اقتصادی هم به مثابه یکی از شاخه‌های اصلاحات سیاسی، گذشته از کاهش مقطعی فساد در برخی کشورها، مسأله را بدتر کرده است. در حالی که دموکراسی‌های تازه تأسیسی چون آرژانتین، فیلیپین و روسیه نمادهایی از حکومت دموکراتیک به شمار می‌روند در عین حال، از فساد زیاد رنج می‌برند. اما برخی دانشمندان علوم سیاسی حاضر به دست کشیدن از تأکید بر اصلاحات سیاسی و تأثیر آن بر کاهش فساد نیستند. آن‌ها استدلال می‌کنند که فساد پدیده‌ای مختص دوره گذار بوده و در دموکراسی‌های کم‌تجربه شایع است چراکه اقدامات اصلاحی در این نظام‌ها با فرهنگ سیاسی لیبرال محکم و نهادهای کارآمد پشتیبانی نمی‌شود (Hariswhite and White, 1996).

به اعتقاد ما، اصلاحات سیاسی در بلندمدت، افق وسیع‌تری از فساد را آن‌هم درست زمانی که نیاز

به ایجاد ثبات در جامعه هست، برای کشورها ترسیم می‌کند. پژوهش بین‌المللی انجام شده توسط گابریل مونتینولا و رابرت جکمن در سال ۲۰۰۲ که اشاره به رابطه غیرخطی بین اصلاحات سیاسی و فساد دارد، این دیدگاه را تأیید می‌کند. تحلیل آن‌ها نشان می‌دهد که، فساد در دیکتاتوری‌ها کمتر از «نیمه دموکراسی‌ها» یا «شبه دموکراسی‌ها» است، اما زمانی که به بررسی نظام دموکراتیک کامل می‌رسیم، مردم‌سالاری، فساد را به شدت کاهش می‌دهد.

با این وجود، حجم کوچک نمونه (بررسی ۶۶ کشور) و آمار قدیمی (مربوط به دهه ۱۹۸۰) به کاررفته در تحلیل، نتیجه‌گیری مونتینولا و جکمن را در عین راهگشا بودن، غیرقابل تعمیم ساخته است. مهم‌تر اینکه، فقط یک نوع از فرضیه غیرخطی - شکل دوجمله‌ای - در مطالعه فوق به کار گرفته شده است، به این معنی که اصلاحات سیاسی در مقطعی باعث افزایش فساد و در مقطع دیگر باعث کاهش آن می‌گردد.

این مقاله با دنبال کردن خطوط برجسته پژوهش فوق، سه معادله آماری (یعنی خطی، دوجمله‌ای یا درجه دوم و سه جمله‌ای یا درجه سوم) را آزمون می‌کند و نیز داده‌هایی جدید را در مورد تعداد زیادی از کشورها مورد ارزیابی قرار می‌دهد تا رابطه بین اصلاحات سیاسی و فساد را بررسی نماید. این سه معادله ساده، اشکال اصلی تحلیل آماری در علوم اجتماعی هستند. مدل خطی، پیوستگی مستقیم مثبت یا منفی دموکراسی و فساد را نشان می‌دهد و می‌توان آن را به صورت فرمول (فساد = تابعی از دموکراسی) $C = F(D)$ نشان داد. معادله درجه دو که توسط مونتینولا و جکمن مورد استفاده قرار گرفته، مفروض می‌دارد که اگر دموکراتیک سازی اتفاق بیفتد، فساد سیاسی در ابتدا افزایش یافته و سپس کاهش می‌یابد. می‌توان این رابطه را به صورت زیر نمایش داد $C = F(D, D^2)$ و سرانجام، مدل درجه سه یا سه جمله‌ای پیش‌بینی می‌کند: زمانی که اصلاحات سیاسی در یک کشور اتفاق بیفتد، سطح فساد افزایش یافته، سپس کاهش می‌یابد و بعد افزایش پیدا می‌کند و یا اینکه ممکن است ابتدا کاهش یابد، سپس افزایش یافته و بعد دوباره کاهش پیدا کند. این تابع چند جمله‌ای می‌تواند به این شکل نمایش داده شود: $C = F(D, D^2, D^3)$.

در تعریف مفاهیم، تعریف موران^۱ از مردم‌سالاری را مدنظر قرار داده‌ایم که معتقد است دموکراتیک‌سازی یا اصلاحات سیاسی فرآیندی است که طی آن «رأی دادن، محور سازوکارهای قانونی انتقال قدرت است، رقابت سیاسی از طریق احزاب بوده، آزادی‌های فردی تضمین شده و تشکیل نهادهای عمومی و سازمان‌های خصوصی آزاد است» (Moran, 2001: 376-380). سرانجام این‌که، تحلیل ما با توجه به مقایسه تعداد زیادی از کشورها، قابلیت تعمیم بالایی دارد که از مرزهای ویژگی‌های منحصر به فرد و تاریخی هر یک از جوامع می‌گذرد.

۲- داده‌ها، متغیرها و متدولوژی

نمونه مورد مطالعه شامل ۱۰۳ کشور است که اطلاعات آن‌ها در گزارش جهانی «شاخص حقوق سیاسی»^۲ گزارش سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل با عنوان «شاخص ادراک فساد»^۳ موجود می‌باشد. شاخص‌های دموکراسی در گزارش شاخص حقوق سیاسی عبارت‌اند از: حق شهروندان برای رأی دادن، کارایی و توانایی نمایندگان منتخب، سیستم چندحزبی، اپوزیسیون سازنده و اعمال اقتدار در سرزمین‌های ملی (Karaatnycky, 2001). از این رو، به نظر می‌رسد تبیینی جامع‌نگر و معتبر از مردم‌سالاری به دست‌آید. شاخص ادراک فساد هم حاصل تعدادی پیمایش از مجریان و مدیران و سیاستمداران نهادهای مختلف درباره فساد مسئولان دولتی در کشورهای مختلف است (Transparency International, 2002).

1 - Moran

2 - Political Rights Index

3 - Corruption Perception Index

جدول ۱- توصیف متغیرها و شاخص‌ها

نام شاخص	توصیف شاخص و منبع آن	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
شاخص فساد	معکوس شده شاخص ادراک فساد کاملاً عاری از فساد = ۱۰- کاملاً فاسد = ۰ سازمان شفافیت بین‌الملل	۱۰-	۰٫۶-	۵-	۲٫۵
شاخص مردم‌سالاری	معکوس شاخص حقوق سیاسی کاملاً غیردموکراتیک = ۷- کاملاً دموکراتیک = ۱- خانه آزادی	۷-	۱-	۲٫۶-	۱٫۹
توان کسب قدرت	توان احزاب برای کسب قدرت	۰٫۱	۲۱٫۷	۱٫۳۳	۳
نرخ بیکاری	درصد نیروی کار بیکار واحد اطلاعات اقتصادی	۰٫۴	۲۷٫۵	۸٫۶	۵٫۱
نرخ تورم	نرخ تورم صندوق بین‌المللی پول	۸٫۵-	۳۲۵	۱۱٫۹	۲۸٫۳

دو شاخص مذکور در این مطالعه با ضرب کردن در ۱- معکوس می‌شوند، تا بر روی یک منحنی قابل انطباق باشند. شاخص‌های تغییر قدرت، نرخ بیکاری و تورم در تحلیل چند متغیری ما به عنوان متغیرهای کنترل به کار می‌روند تا تأثیر شرایط اقتصادی را ثابت نگاه داریم. این شاخص‌ها از صندوق بین‌المللی پول (۲۰۰۲) و واحد اطلاعات اقتصادی (۲۰۰۲) کسب شده‌اند. به این ترتیب مجموع داده‌هایی که روند زمانی برحسب کشور- سال به دست می‌آید ۵۲۰ واحد است.

از آنجا که محاسباتی چون همبستگی پیرسون رابطه غیرخطی را شامل نمی‌شود، تنها آزمون‌های

چند جمله‌ای می‌تواند به کار آید. محاسبه آزمون آماری واتسون-دوربین^۱ عدد $1/83$ را نشان می‌دهد که به معنی عدم وجود مشکل اساسی یا خطا در همبستگی است لذا نیازی به انجام اقدامات اصلاحی در روش تحقیق مانند افزودن متغیر واسط در محاسبه رگرسیون یا اصلاح میزان خطا در داده‌های جمع‌آوری شده در روند زمانی، نیست (Beck and Katz, 1995).

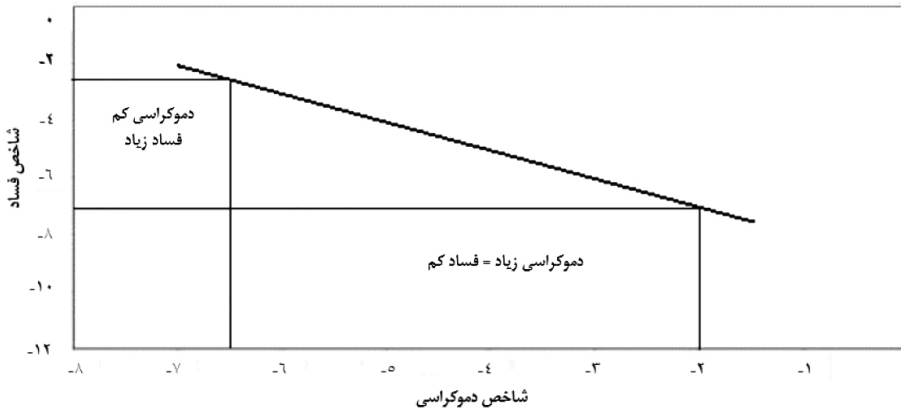
نتایج رگرسیون چند جمله‌ای برای تعیین شدت و جهت رابطه متغیرها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. از آنجا که ضریب تعیین چند متغیری (R^2) با هر افزایش پیش‌بینانه افزایش می‌یابد، R^2 تعدیل شده انتخاب شده است، اما بحث یافته‌ها صرفاً مبتنی بر همبستگی تعدیل نشده است.

۳- یافته‌ها

از نظر آماری، هر سه مدل دارای کارایی و تناسب خوبی هستند. اما ضریب تعیین مدل سه جمله‌ای به طور قابل توجهی از نظر وسعت نظر فرق می‌کند. به بیان دیگر، در حالی که همه مدل‌ها در تعیین تغییرات سطح فساد مفید هستند اما مدل سه جمله‌ای خطاهای پیش‌بینی را به شدت کاهش داده و از این رو در تعیین فراز و نشیب رابطه دموکراسی-فساد، قوی‌تر عمل می‌کند.

مدل خطی ۴۵ درصد تغییر در فساد سیاسی را محاسبه کند و می‌تواند از نظر آماری تأثیر منفی و شدید دموکراسی بر فساد را کشف نماید. با ثابت فرض کردن فاکتورها و متغیرهای اقتصادی، یک واحد افزایش در شاخص دموکراسی موجب $0/737$ واحد کاهش در شاخص فساد می‌گردد. این رابطه توسط هنجارهای شناخته شده علوم اجتماعی هم تأیید و پشتیبانی می‌شود. فاکتورهای اقتصادی هم کمک شایانی به توان تبیینی مدل می‌نمایند. نرخ بیکاری و تورم که به طور مثبت و قوی در رابطه اثر دارند، این ایده را تأیید می‌نمایند که وضعیت بد اقتصاد باعث ارتقای سطح فعالیت‌های نادرست در میان مسئولان اجرایی و دولتی می‌شود.

شکل ۱- شمای مدل خطی رابطه میان مردم سالاری و فساد



مدل دوجمله‌ای با افزایش R^2 به ۰/۵۱۶، توان تبیینی معادله را ۵ درصد ارتقا می‌دهد. به بیان دیگر قرار گرفتن وجه دیگر و تبدیل معادله به چندجمله‌ای باعث ارتقای کارآمدی تحلیل مدل تا ۱۴ درصد شده است. دو متغیر دموکراسی، شفافیت آماری مدل را به ۰/۰۰۱ افزایش داده است و با توجه به شکل غیرخطی رابطه، پاسخی دور از خطا ارائه می‌نماید.

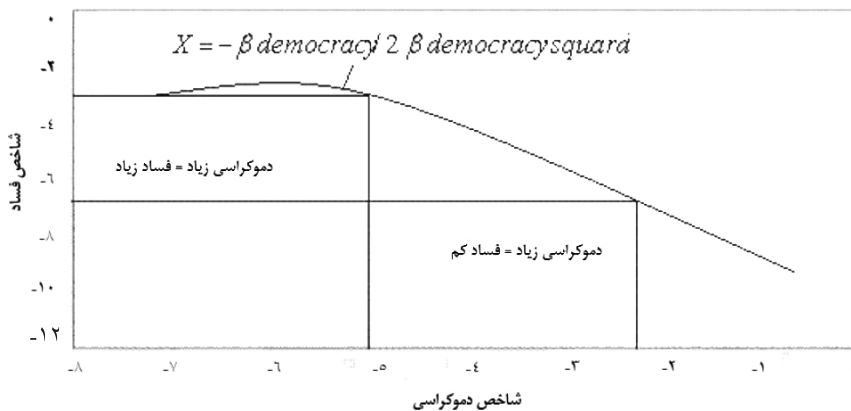
جدول ۲- نتایج حاصل از محاسبه رگرسیون تأثیر متغیرها

مدل سه جمله ای	مدل دوجمله ای	مدل خطی	
۰,۰۰۵	۰,۰۲۰	-۰,۱۶	توان تغییر قدرت سیاسی
۰,۱۲۱	۰,۱۱۴	۰,۱۲۲	نرخ بیکاری
۰,۰۰۸	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	نرخ تورم
-۷,۸۸۱	-۲,۲۱۰	-۰,۷۳۷	شاخص دموکراسی
-۰,۶۸	-۰,۶۱	-۰,۶۴	سال ۱۹۹۵
-۰,۳۲۶	-۰,۲۴۱	-۰,۶۵	سال ۱۹۹۶
-۰,۱۲۸	۰,۲۱	-۰,۱۵۳	سال ۱۹۹۷
-۰,۲۱۴	-۰,۱۵۶	-۰,۲۰۰	سال ۱۹۹۸
-۰,۰۲۵	-۰,۰۷۵	-۰,۱۱۷	سال ۲۰۰۰
۰,۶۱۱	۰,۵۱۶	۰,۴۵۲	R^2
۰,۵۹۸	۰,۵۰۱	۰,۴۳۷	R^2 تعدیل یافته

علامت منفی که به شاخص مردم‌سالاری داده شده نشان داد که تابع مقعر و انحنادار بهتر از تابع خطی با داده‌ها همخوانی دارد. این منحنی سهمی جهت خود را در نقطه تغییر می‌دهد (Agresti and Finlay, 1997) که بر روی نقطه $-۵/۳۴$ در محور دموکراسی قرار دارد. کشورهای غیردموکراتیک که دارای رتبه بسیار پایینی در شاخص مردم‌سالاری هستند و در مراحل اولیه اصلاحات سیاسی قرار دارند شاهد رشد در فساد خواهند بود تا زمانی که به نقطه $-۵/۳۴$ یعنی نقطه‌ای که میانگین فساد در حداکثر خود قرار دارد، برسند (شکل ۲).

پس از این نقطه بحرانی، کشورها شروع به بهره‌مندی از منافع حاصل از کاهش فساد از طریق تقویت نهادهای دموکراتیک خواهند نمود (جایی که نزول آغاز می‌شود). نزول همچنین نشان می‌دهد که کشورهایی که دارای شاخص‌های آزادی سیاسی پایینی هستند و فساد در آن‌ها در نقطه $-۵/۳۴$ می‌باشد، به محض انجام اصلاحات سیاسی شاهد پیامدهای مثبت ضدفساد خواهند بود.

شکل ۲: شمای مدل رگرسیون دوجمله‌ای رابطه دموکراسی و فساد



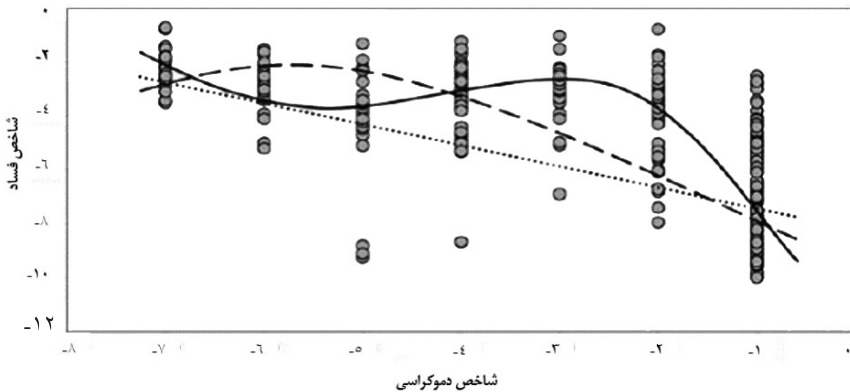
هرچند روند طولانی مدت در این مدل یعنی ادامه شیب روبه پایین همانند تابع خطی می‌شود، اما تابع دوجمله‌ای قادر به تمایز بین کشورهای غیردموکراتیک و کشورهای بسیار دموکراتیک یا کشورهای درحال اصلاحات سیاسی از کشورهایی با وضعیت سیاسی غیردموکراتیک نیست.

بهترین نتایج رگرسیون از مدل مکعبی یا سه جمله‌ای که R^2 آن ۰/۶۱۱ بوده و همبستگی معادلات خطی و دو جمله‌ای را به ترتیب تا ۳۵ درصد و ۱۸ درصد افزایش داده حاصل می‌شود. همبستگی رگرسیون، رابطه‌ای خطی و منفی را نشان داد، که به معنای آن است که تابع در ابتدا روبه پایین است سپس به سمت بالا می‌رود و دوباره به سمت پایین متمایل می‌شود (شکل ۳). رابطه با یک برآمدگی آغاز می‌شود و انحنای آن در نقطه (۴/۱۷-) تغییر یافته و با حالتی مقعر یا ناودیسی ادامه می‌یابد. میانگین شاخص فساد در نقطه‌ای که نمره شاخص دموکراسی ۵/۵۰- است به حداقل خود می‌رسد، در حالی که نمره میانگین فساد در حالت مقعر زمانی به حداکثر می‌رسد که نمره شاخص دموکراسی مساوی با ۲/۷۴- است. از این رو، در مفهوم کلی در این رابطه سه زمان قابل تمیز است: رابطه‌ای منفی و ضعیف میان دموکراسی و فساد در جوامعی که شاخص دموکراسی آن‌ها پایین‌تر از ۵/۵- است. جهت مثبت در رابطه با دموکراسی و فساد در جوامعی که شاخص دموکراسی آن‌ها بین ۲/۷۴- و ۵/۵۰- است. و سرانجام در دموکراسی‌های پیشرفته (با شاخص بالاتر از ۵/۵-) منحنی به سمت پایین حرکت کرده و به پایین‌ترین نقطه می‌رسد.

کشورهای با شاخص مردم‌سالاری بسیار پایین (۷-) از میزان اندکی شفافیت و مسئولیت‌پذیری برخوردارند. اما به محض ورود به مرحله میانی، فرآیند اصلاحات دموکراتیک دچار فساد شدیدی خواهد شد، چراکه در فرآیند تغییر، ترتیبات و چینش‌های جدید قدرت و توزیع منابع، همچنین ارزش‌ها و نهادهای جدیدی در حال پا گرفتن هستند. در کشورهایی که فرآیند دموکراسی‌سازی را آغاز کرده و از آزادی سیاسی متوسط برخوردارند (نمره ۳- تا ۶-) فساد روزافزون، مسأله‌ای شایع و همگانی است. توسعه اصلاحات دموکراتیک در کشورهای غیر دموکراتیک و دموکراسی‌های سطح متوسط (که نمره آن‌ها ۲- است)، کاهش اساسی در فساد را نشان می‌دهد. رسیدن به حکومتی صادق و کارآمد یعنی دستیابی به رتبه ۱- کاهش بسیار بیشتر فساد را در پی دارد. همچنین این منحنی نشان می‌دهد روند تأثیر دموکراسی بر فساد، در درجه اول بستگی به شرایط دموکراتیک اولیه و آغازین و نیز دستاوردهای اصلاحات دموکراتیک در طی زمان دارد. بزرگ‌ترین دستاوردها (در شکل ایجاد و استقرار یک دولت شفاف و سالم) نصیب کشورهایی شده است که نه تنها قادر به ترسیم و طراحی،

بلکه قادر به ایجاد و حفظ نهادهای دموکراتیک قوی و سالم شده‌اند.

شکل ۳- شمای منحنی رگرسیون سه جمله‌ای رابطه میان فساد و مردم‌سالاری



نتیجه‌گیری

همان‌طور که تصاویر مختلفی از رابطه مردم‌سالاری و فساد از طریق مطالعات کیفی و هنجاری ترسیم شده و پژوهش‌های آماری نیز آن‌ها را تأیید نموده است، یافته‌های مختلف حاصل از سه مدل به کار گرفته شده در این پژوهش نیز در صورتی که هم‌زمان تفسیر شوند هر یک جنبه‌های مختلفی از مسأله را روشن خواهند ساخت. اصلاحات دموکراتیک، از نگاهی کلی، موجب کاهش فساد می‌گردد (همان‌گونه که مدل خطی تأیید می‌کند) اما باید این نکته مدنظر قرار گیرد که در مراحل آغازین فرآیند اصلاحات دموکراتیک، (آن‌گونه که مدل دو جمله‌ای نشان می‌دهد) کاهش چندانی در فساد قابل مشاهده نیست بلکه گاه فساد بیشتر شده است. اما مهم این است که شرایط اولیه و دستاوردهای جامعه شدت و جهت تأثیر اصلاحات دموکراتیک بر نهادهای سیاسی را تعیین می‌کند نه خود این جریان.

گرچه مردم‌سالاری و اصلاحات اقتصادی هدف سالم‌سازی و اصلاح فعالیت بخش عمومی در کشورهای در حال توسعه را دنبال می‌کند، اما فساد در مقابل هرگونه مداخله و اصلاح به شدت مقاوم بوده است. در کشورهایی که قبلاً دارای تجربه امپراتوری یا پادشاهی بوده‌اند، غالباً شور و

شوق ناشی از کسب آزادی‌های سیاسی با رشد هشداردهنده فساد و «آلودگی نظام اجرایی به رشوه» فروکش می‌کند (Moran, ۲۰۰۱). دامنه وسیع منازعه سیاسی و بازسازی حکومت (مانند ملی‌سازی منابع یا خصوصی‌سازی) فرآیند اصلاحات دموکراتیک را به شدت در معرض تهدید و آسیب قرار می‌دهد. در این شرایط توان نظارت بر قدرت حاکمان و نیز جذب حمایت عمومی برای اصلاح و تغییر ساختارهای نهادی، مهم‌ترین و حساس‌ترین وظیفه‌ای است که حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی باید باهم انجام دهند. شیوع فساد در کشورهایی که در حال انجام اصلاحات سیاسی هستند علاوه بر این که محصول تغییر در شرایط است، نتیجه فعالیت‌های غیردموکراتیک نیز می‌باشد (Rose-Ackerman, 1999). هنگامی که تلاش برای استقرار نظام نظارت و کنترل بر اعمال دولت و حاکمیت قانون ناکام می‌ماند و نتیجه نمی‌دهد، این خطر به وجود می‌آید که کشور دوباره به نظام دیکتاتوری یا سلطنتی سابق که در آن خزانه مردم، دارایی شاه محسوب می‌شود و در عین حال، فساد و هرج و مرج ظاهری کمتر است، بازگشت کند.

یافته‌های پژوهش این سؤال را نیز مطرح می‌کند که آیا لازم است نهادهای اقتصادی و وام‌دهنده بین‌المللی، اصلاحات سیاسی در نهادهای کشورهای وام‌گیرنده را جزو شرایط اعطای کمک ذکر نمایند یا خیر (Marquette, 2001). بن‌بست این بحث، فقدان اجماع و اتفاق نظر بر سر رابطه میان مردم‌سالاری با توسعه و فساد بوده است. همان‌گونه که شواهد نشان داد وقتی منحنی رابطه دموکراسی - فساد، حالت نزولی پیدا می‌کند، نهادهای بین‌المللی بایستی ضمن به رسمیت شناختن نقش نظام سیاسی در ایجاد بهره‌وری کارآمد، هنگام ارائه کمک‌های خود، گسترش مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی را تشویق نمایند تا از این طریق محیط مناسبی را برای اجرای موفق سیاست‌های مبارزه با فساد ایجاد گردد^۱.

۱ - لازم به توضیح است که به رغم درست بودن این نکته، نویسنده باید این مسأله را متذکر می‌شد که استفاده ابزاری از شرط اصلاحات دموکراتیک برای دریافت کمک باعث انجام اصلاحات صوری، غیربنیادی و بی برنامه خواهد شد که نتیجه این امر ناتوانی در کنترل فساد و بازگشت کشور به نقطه‌ای خواهد شد که شاخص آن بین ۲/۷۴- و ۵/۵۰- است و این یعنی نقطه اوج فساد در عین وجود اصلاحات دموکراتیک. مترجم

ضمایم

فهرست برخی از کشورهایی که داده‌های آماری آن‌ها در مقاله حاضر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است:

کشور	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
آلبانی					X	
آندورا			X			
آنگولا						X
آرژانتین	X	X	X	X	X	X
ارمنستان					X	X
استرالیا	X	X	X	X	X	X
اتریش	X	X	X	X	X	X
آذربایجان					X	X
بنگلادش	X					
بلاروس				X	X	X
بلژیک	X	X	X	X	X	X
بولیوی		X	X	X	X	X
بوتسوانا				X	X	X
برزیل	X	X	X	X	X	X
بلغارستان				X	X	X
بورکینافاسو						
کامرون		X			X	X
کانادا	X	X	X	X	X	X
شیلی	X	X	X	X	X	X

۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	کشور
X	X	X	X	X	X	چین
X	X	X	X	X	X	کلمبیا
X	X	X	X			کاستاریکا
	X					جورجیا
X	X	X	X	X	X	آلمان
			X	X	X	غنا
X	X	X	X	X	X	یونان
				X	X	گواتمالا
				X	X	هندوراس
X	X	X	X	X	X	مجارستان
			X	X	X	ایسلند
X	X	X	X	X	X	هندوستان
X	X	X	X	X		اندونزی
X	X	X	X	X	X	ایرلند
X	X	X	X	X	X	ایتالیا
	X	X				جامائیکا
X	X	X	X	X		ژاپن
X	X	X		X		اردن
	X	X				قزاقستان
X	X	X		X		کنیا
X	X	X	X	X	X	کره جنوبی
	X					جمهوری قرقیزستان

کشور	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
لتونی				X	X	X
لیتوانی					X	X
لوکزامبورگ	X		X	X	X	X
مقدونیه				X	X	
مالاوی				X	X	X
مالزی	X	X	X	X	X	X
موریس				X	X	X
مکزیک	X	X	X	X	X	X
مولداوی				X	X	X
مغولستان				X	X	
مراکش				X	X	X
موزامبیک				X	X	X
نامیبیا				X	X	X
هلند	X	X	X	X	X	X
نیوزیلند	X	X	X	X	X	X
نیکاراگوئه				X	X	
نیجریه				X	X	X
نروژ	X	X	X	X	X	X
پاکستان				X	X	X
پاراگوئه				X	X	
پرو				X	X	X
فیلیپین	X	X	X	X	X	X

فهرست منابع

1. Agresti, A. and B. Finlay, *Statistical Methods for the Social Sciences*, 3rd edn. (Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall, 1997).
2. Barro, R.J., *Determinants of Economic Growth: A Cross-country Empirical Study* (Cambridge, MA: The MIT Press, 1997).
3. Beck, N. and J. Katz, "What to Do (and not to Do) with Times-Series Cross-Section Data," *American Political Science Review* 1995 (89), 634-647.
4. Boix, C., "Democracy, Development. And the Public Sector," *American Journal of Political Science* 2001 (45), 1-17.
5. Bunce. V., "Comparative Democratization: Big and Bounded Generalizations," *Comparative Political Studies* 2000 (33). 703-734.
6. Burkhart, R.E., "Comparative Democracy and Income Distribution: Shape and Direction of the Causal Arrow," *Journal of Politics* 1997 (59), 148-164.
7. Cohen, A., *Crime and Corruption in Eurasia: A Threat to Democracy and international Security* (Washington, DC: The Heritage Foundation, 1995).
8. daSilva, C.E.L., "Journalism and Corruption in Brazil," in J.S. Tulchin and R.H. Espach (eds.), *Combating Corruption. in. Latin America* Washington, DC: Woodrow Wilson Center Press, 2000) pp. 173-192.
9. della Porta, D. and A. Yannucci, *Corrupt Exchanges: Actor's, Resources, Mechanisms of Political Corruption* (New York: Aldine de Gruyter, 1999).
10. Fairbanks, C.H., Jr., "Disillusionment in the Caucasus and Central Asia," *Journal of Democracy* 2001 (12), 49-56.

11. Frey, B.S. and A. Stutzer, "Happiness, Economy and Institutions:" the Economic Journal 2001 (110), 918–938.
12. Giglioli, P.P., "Political Corruption and the Media: The Tangentopoli Affair:" In-tenuitio 11 al Social Science Journal 1996 (48), 381–394.
13. Goldsmith, A.A., "Democracy, Property Rights, and Economic Growth:" Journal of Development Studies 1995 (32), 157–174.
14. Goldsmith, A.A., "Slapping the Grasping Hand: Correlates of Political Corruption in Emerging Markets:" American Journal of Economics and Sociology 1999 (58), 865–883.
15. Harris–White, B. and G. White (eds.), Liberalizing and New Forms of Corruption (Brighton: Institute of Development Studies, 1996).
16. Hegre, H., T. Ellingsen and S. Gates, "Toward a Democratic Civil Peace? Democracy, Political Change, and Civil War, 1816–1992;" America 11 Political Science Review 2001 (95), 33–48.
17. International Monetary Fund, "The World Economic Outlook Database April 2002," [On–line database]. 2002, Available <http://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2002/01/data/index.htm>.
18. Jamieson, A., the Anti–Mafia: Italy's Fight against Organizational Crime (New York: Palgrave MacMillan, 2000).
19. Johnston, M., "Public Officials, Private Interests, and Sustainable Democracy: When Politics and Corruption Meet," in K.A. Elliot (ed.), Corruption 11 and the Global Economy (Washington, DC: Institute for International Economics. 1997) pp. 61–82.

20. Karatnycky, A. (ed.), *Freedom in the world: 771e Annual Survey of Political Rights and Civil Liberties*, 2001 (Somerset, NJ: Transaction, 2001).
21. Lillie, V., "Corruption and Democracy in Latin America." *IDS Bulletin* 1996 (27), 64-70. Marquette, H., "Corruption. Democracy and the World Bank," *Crime, Law and Social Change* 2001 (36). 395-407.
22. Mbaku, J.M., "Post-Independence Opportunism and Democratization in Africa," *Journal of Social, Political and Economic Studies* 1995 (20), 405-422.
23. Montinola, G.R. and R.W. Jackman, "Sources of Corruption: A Cross-National Study," *British Journal of Political Science* 2002 (32), 147-170.
24. Moran, J., "Democratic Transitions and Forms of Corruption," *Crime, Law and Social Change* 2001 (36), 379-393.
25. Rodrik, D., "Democracies Pay Higher Wages," *Quarterly Journal of Economics* 1999 (114), 707-738.
26. Rose-Ackerman, S., *Corruption in Government: Causes, Consequences, and Reform* (New York: Cambridge University Press, 1999).
27. Sandholtz, W. and W. Koetzle, "Accounting for Corruption: Economic Structure, Democracy, and Trade," *International Studies Quarterly* (44), 31-50.
28. Sayrs, L.W., *Pooled Time Series Analysis, Quantitative Applications in the Social Sciences No 70* (Thousand Oaks, CA: Sage, 1989).
29. Schwartz, H., "Surprising Success: The New Eastern European Constitutional Courts," in A. Scheller, L. Diamond and MF.
30. Plattner (eds.), *the Self-Restraining State: Power and Accountability in New De-*

mocracies (Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers, 1999) pp. 195–214.

31. The Economist Intelligence Unit, EIU Country Data [On-line database]. 2001, Available <http://www.al.secure.alacra.com>.

32. Transparency International, Corruption Perceptions Index: [On-line database]. 2002, Available <http://www.transparency.org>

33. Van Rijckeghem, C. and B. Weder, “Bureaucratic Corruption and the Rate of Temptation: Do Wages in the Civil Service affect Corruption, and by how Much?” *Journal of Development* (65), 307–331.

34. Weyland, K., “The Politics of Corruption in Latin America,” *Journal of Democracy* 1998 (9), 108–121.